

# برتراند راسل



(فیلسوف، ریاضی دان، ادیب، و  
برنده ی جایزه ی نوبل در ادبیات)

● برگردان: احمد قندهاری

برتراند آرتور ویلیام راسل<sup>۱</sup> در ۱۸  
می سال ۱۸۷۲ در روتز کرفت ویلز<sup>۲</sup>  
متولد شد. دو ساله بود که مادر و  
خواهرش را از دست داد و چهار ساله  
بود که پدرش درگذشت.  
پدربزرگش لرد جان راسل<sup>۳</sup> که سابقاً  
نخست وزیر بود، به همراه

مادربزرگش، مراقبت از او و برادرش را برعهده گرفتند. راسل به مدرسه نرفت، برایش معلم خصوصی گرفتند و به خاطر داشتن هوش فوق العاده، توانست زبان های فرانسه و آلمانی را به سرعت یاد بگیرد.

راسل در سال ۱۸۹۰ وارد دانشکده ی ترینیتی<sup>۴</sup> کمبریج<sup>۵</sup> شد و چون در رشته ی فلسفه شاگرد اول بود، به او بورس تحصیلی داده شد. ولی او از آن استفاده نکرد. زیرا در تابستان سال ۱۸۹۴، در سفارت انگلستان در پاریس مشغول به کار شد و در دسامبر همان سال ازدواج کرد. پس از گذراندن چند ماه در برلین و مطالعه در زمینه ی دموکراسی، برای ادامه ی تحصیل در رشته ی فلسفه، به شهرل هسل مر<sup>۶</sup> فرانسه رفت.

در سال ۱۹۰۰ با ریاضی دان معروف پینو<sup>۷</sup> آشنا شد و در گردهمایی بین المللی ریاضیات شرکت کرد. پس از آن، بلافاصله مطالعه ی ریاضیات را شروع کرد و موفق به کشف یک پارادکس در مجموعه ها شد. در سال ۱۹۰۳، کتاب مهم خود به نام اصول ریاضیات را نوشت و به کمک دوستش دکتر آلفرد وایت هد<sup>۸</sup>، منطق ریاضی پینو را توسعه داد. در سال ۱۹۰۸، عضو انجمن سلطنتی بریتانیا شد و در همان سال به عنوان مدرس، در ترینیتی کالج استخدام شد.

بعد از شروع جنگ جهانی اول، به طور فعال از صلح طرف داری کرد و با قانونی که می گفت: اگر کسی واجد شرط باشد، ولی از پیوستن به ارتش خودداری کند، باید به مدت دو سال زندانی شود، شدیداً مخالفت کرد و رساله ای هم در این زمینه انتشار داد. پس از آن، شغل خود را در ترینیتی کالج از دست داد. پس از مدتی هم، از طرف دانشگاه هاروارد ایالات متحده به تدریس دعوت شد، ولی دولت انگلستان از صدور پاسپورت برای او خودداری کرد.



راسل در سال ۱۹۱۸، دوباره برای تدریس در دانشکده‌ای به کار دعوت شد، ولی این بار ارتش رسماً از ادامه‌ی کارش جلوگیری کرد و به بهانه‌ی نوشتن رساله‌ی ضد جنگ، او را به پنج ماه زندان محکوم کرد. در زندان کتاب «مقدمه‌ی فلسفه‌ی ریاضی» را نوشت. در سال ۱۹۲۱ هم چند تن از دوستانش کتاب «تحلیل ذهن» را که مجموعه‌ی سخنرانی‌های او در لندن بود، منتشر کردند. در سال ۱۹۲۰، راسل برای مطالعه‌ی شرایط سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به این کشور سفر کرد. پس از چند ماه به کشور چین رفت، در دانشگاه پکن، چندین سخنرانی درباره‌ی فلسفه ایراد کرد، در دسامبر همان سال به انگلستان بازگشت.

در سال ۱۹۳۸ به ایالات متحده رفت و چند سال در دانشگاه‌های آن کشور به تدریس پرداخت. در آمریکا هم به خاطر عقاید خاصش از تدریس کنار گذاشته شد.

راسل فیلسوفی منتقد بود و به خاطر زحماتش در منطق ریاضی و فلسفه‌ی تحلیلی، دانشمندی شناخته شده بود. در واقع می‌توان گفت، او یکی از دو تن منطق‌دانان بزرگ قرن بیستم به شمار می‌رفت که نه تنها در فلسفه، منطق و ریاضی استاد بود، بلکه صاحب نظر و استاد مسائل گوناگون از جمله ادبیات بود؛ به خصوص نظریه‌ی سیاسی و بشر دوستانه‌ی او در سراسر دنیا، طرف‌داران بی شماری داشت.

راسل در سال ۱۹۴۹، مدال شایستگی علمی دریافت کرد و در سال ۱۹۵۰ جایزه‌ی ادبیات نوبل را از آن خود کرد. او صلح طلبی واقعی بود که در این راه متحمل زحمات زیادی هم شد. یکی از کارهای قابل توجه او «پارادکس راسل» است که در مبحث مجموعه‌ها مطرح است، بدین صورت:

مجموعه‌ی همه‌ی مجموعه‌هایی که عضو خود نیستند، چنین مجموعه‌ای اگر وجود داشته باشد باید عضوی از خودش باشد، اگر و فقط اگر عضو خودش نباشد.

این پارادوکس به مفهوم علمی بسیار معنی‌دار است و عمق تفکر و مطالعات دقیق و زیاد او در نظریه‌ی مجموعه‌ها، منطق، فلسفه و بنیادهای ریاضی را نشان می‌دهد. او حقیقتاً فیلسوف و عالم منطق‌دان و منتقد اجتماعی و طرف‌دار صلح در جهان بود. در سال ۱۹۵۵، راسل با آلبرت اینشتین بیانیه‌ی مشترکی درباره‌ی صلح منتشر کردند. در سال ۱۹۵۸، راسل رئیس گروه خلع سلاح هسته‌ای جهان شد و در سال ۱۹۶۱ نیز به خاطر اعتراضاتی که علیه سلاح‌های هسته‌ای کرد، با آن همه شهرت و اعتبار علمی جهانی، به یک هفته زندان محکوم شد. راسل در دوم فوریه‌ی سال ۱۹۷۰ در ویلز درگذشت.

۱۳۵۱

1. Bertrand Arthur William Russell
2. Rovens Croft Wales
3. Lord John Russell
4. Tirinity
5. Cambridge6. Hasle mere
7. Peano
8. Alfred White Head